

نقش زنان در بیداری اسلامی

نقش زنان در بیداری اسلامی

سیده منور شایسته خویی

بیداری اسلامی پدیده‌ای عظیم و دو مرحله‌ای است که در مرحله‌ی نخست در پی استیلای استعمار غرب و شرق بر کشورهای مسلمان از نیمه‌ی دوم قرن بیستم با هدف بازگشت به اسلام و فرهنگ آن آغاز گشت؛ اما این مرحله با حاکمیت مزدوران و دست‌نشانده‌های استعمار، سرکوب شد و مرحله‌ی دوم از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آغاز گشت و هم‌زمان با استقرار نظام حکومتی اسلامی در ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی چون کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، پاکستان، افغانستان و کشورهای شمال آفریقا رخ داد اما متأسفانه با تحریک استعمارگران و به دست حاکمان مزدور و مستبد سرکوب گردید و حاکمان به ستمگری خود ادامه دادند و جمهوری اسلامی ایران تحت فشارها، مشکلات عدیده‌ی سیاسی، اقتصادی و ... از سوی بیگانگان قرار گرفت. اما خوش‌بختانه با رهبری با کفایت بنیان‌گذار آن امام خمینی و پس از آن امام خامنه‌ای در مقابله با استعمار و پیاده کردن قوانین و احکام اسلام ناب محمدی ادامه یافت و توانمندی اسلام را در اداره‌ی عزت‌مند جوامع اسلامی، بلکه بشری، هم پای پیشرفت‌های علم و فن‌آوری ثابت کرد.

این شکوفایی از یک سو و گسترش استبداد و ظلم حاکمان مستبد کشورهای اسلامی از سوی دیگر، باعث آغاز

مرحله‌ای دوم بیداری اسلامی در خاورمیانه گشت و چنان که شاهدیم، مزدوران استعمار علی‌رغم حمایت‌های اربابان غربی خود، یکی پس از دیگری به دست مردم خود به جهنّم روانه می‌شوند. صدام حسین، حسنی مبارک، معمر قذافی و ...

آنچه که در این بیداری در پیروی از علمای اسلام دیده‌ها را به سوی خود جلب کرده، حضور گسترده‌ای زنان مسلمان با حجاب برتر اسلامی، در تظاهرات اعتراض‌آمیز است که شعارهای اسلامی سر می‌دهند و چون مردان مبارز، زندانی یا شهید می‌گردند.

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان مسلمان تازگی ندارد و به تقلید از زنان غربی و بر مبنای لیبرالیستی صورت نمی‌گیرد، بلکه پیشینه‌ای به قدمت ظهور اسلام داشته و با پیروی از الگوهای زنان مبارز مسلمان و بر مبنای اعتقادی دین مبین اسلام بوده و از معارف ناب کتاب آسمانی جاودان آن، قرآن کریم و سنت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) تغذیه می‌گردد.

احساس مسئولیت زن مسلمان نسبت به اوضاع جامعه و ایفای نقش در اصلاح آن برخاسته از نگرش قرآن کریم به جایگاه زن است.

جایگاه زن در قرآن کریم

الف-همسانی با مرد

1- در آفرینش: از منظر قرآن، زن در آفرینش از نفس واحد خلق شده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء/1) پس همتای مرد است و این همتایی در نحوه‌ای تأثیرگذاری بر جامعه، وحدت شرایط را نیز می‌طلبد که در آیه‌ای 35 سوره‌ای احزاب به آن اشاره شده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْخَالِصِينَ وَالْخَالِصَاتِ وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالْكَاثِرِينَ وَالْكَاثِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/35).

2- در شرایط تأثیرگذاری: در این آیه مبانی و شرایط تأثیرگذاری مطلوب برای مرد و زن به طور یکسان بیان شده است: تسلیم احکام خدا بودن، ایمان به خدا، عبادت او، راستی در گفتار و کردار، صبر و مقاومت در سختی‌ها، خداترسی، مشارکت اقتصادی در رسیدگی به نیازمندان و عمران جامعه، روزه‌داری و احساس هم‌دردی با فقرا، عفت و پاک دامن‌ی و یاد و احساس پایدار و پیوسته‌ی حضور خدا.

جالب است که این آیه در پاسخ به توقّع اسماء بنت عمیس از تمجید زنان در قرآن، نازل شد: ابو علی فضل بن حسن طبرسی در تفسیر مجمع البیان نقل کرده است که مقاتل بن حیان گفت: «وقتی اسماء بنت عمیس به همراه شوهرش جعفر بن ابیطالب از حبشه بازگشت، نزد زنان رسول خدا رفت و پرسید: آیا درباره‌ی ما زنان آیه‌ای از قرآن نازل شده است؟ گفتند: نه. اسماء نزد رسول خدا (صلی الله علیه و اله) رفت و با آهنگ انتقادآمیز گفت: ای رسول خدا! زنان باخته و ضرر کرده‌اند. پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمود: چرا؟ عرض کرد: زیرا مانند مردان تمجید نشده‌اند». این‌جا بود که خداوند این آیه را نازل کرد (فضل طبرسی، 560/8).

3- در لزوم اصلاح جامعه: از دیگر شرایط همسان زن و مرد همکاری در سازندگی جامعه از طریق فریضه‌ای امر به معروف و نهی از منکر است که بر دوش هر دو جنس نهاده شده و از شاخصه‌های ایمانی آنان به شمار آمده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعَضُهُمْ أَبْوَءٌ لِّبَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْعَمَلِ الْمُنكَرِ» (توبه/71).

این فریضه عامل سازنده‌ی افراد جامعه و بزرگترین قیام‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ اسلام بوده است. به موجب این فریضه، زن موظف است که نقش تربیت و اصلاح جامعه را داشته باشد.

ب- محور تربیت

اصولاً از نگاه قرآن زن نقش محوری را در تربیت افراد خانواده و در نتیجه جامعه دارد. اگر خداوند قوام اجتماعی و اقتصادی جامعه را بر عهده‌ی مرد نهاده است، قوام تربیتی آن را بر دوش زن گذاشته زیرا زن کانون عاطفه در عالم هستی است.

قرآن کریم از زن‌انی نام می‌برد که در جایگاه محوری مهندسی ایمانی و اخلاقی جامعه‌ی بشری قرار گرفته‌اند: «وَمَرْبَبَ اللَّيْثِ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَ

نَجَّيْنِي مِنَ الْفَقْوَمِ الطَّالِمِينَ . وَ مَرَّيْمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَدَتْ
فَرْجَهَا فَدَفَعْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ لَهَا
مِنْ الْقَنَاتَيْنِ (تحریم/11-12) .

ج- توانمندی در مدیریت کلان سیاسی

زن از توانمندی اداره‌ای سیاسی جوامع بزرگ و کشورداری نیز برخوردار است. قرآن کریم برای نمونه از بلقیس ملکه‌ای سبا نام می‌برد که با ایمان خود به سلیمان نبی، نمونه‌ای مدیریت سیاسی برتر گشت. زنی که به جای مقابله با رهبر الهی با اقدام و تصمیم صحیح به او ایمان آورد و خود و کشورش را از هلاک دنیوی و اخروی نجات داد (نمل/19-44) .

- زن در سیره‌ای بزرگان صدر اسلام

نقش کلیدی زن در زمینه‌های تربیتی، عاطفی، حراست از فضای سیاسی و اجتماعی در سیره‌ای زنان بزرگ صدر اسلام کاملاً مشهود است. برای نمونه می‌توان از حضرت خدیجه (علیها السلام) همسر نبی اکرم (صلی الله علیه و اله) نام برد.

امام‌المؤمنین خدیجه با حمایت‌های مالی، عاطفی، سیاسی و از همه مهم‌تر ایمانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) کلنگ جامعه اسلامی را در حجاز زد و با تولد فاطمه (علیها السلام) ادامه‌ای دودمان پاک و راه نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله) را تضمین کرد. زنی که سوره‌ای ضحی در شأن او نازل شد «و وجدک عائلاً فأغنی» (ضحی/7) و خدا با ثروت خدیجه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) را برای کمک به نیازمندان و پیشبرد اسلام بی‌نیاز کرد (مغنیه، ج7، ص579) .

فاطمه (علیها السلام) که از نظر عاطفی چون مادری مهربان به مراقبت و حمایت رسول خدا (صلی الله علیه و اله) همّت گماشت و مفتخر به کنیه‌ای "امّ ابیها" از سوی حضرت ختمی مرتبت شد. زنی که در کنار رادمرد جهان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) تا حد ایثار دیگران حتّی اسیر کافر، بر خود پیش رفت و

سوره‌ای دهر در شأن او و خانواده‌اش نازل شد: «وَ يُطْعِمُونَ الطَّامِعَ عَلِيًّا حُدِّي لَهُ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا...». (انسان/8)

فاطمه (علیها السلام) به اعتقاد همه‌ای فرق مسلمین برترین زن عالم است که روایات متواتر نبوی بر سیادت او در دنیا و آخرت دلالت دارد و آخرین سخن و مژده‌ای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) به او همین مقام بود: «یا فاطمه، أنت سیده نساء العالمین من الاولین و الآخِرین» (محمدباقر مجلسی، ج37، ص68).

زنان صحابی بسیاری نیز در تحکیم جامعه‌ای صدر اسلام نقش‌های مهمی ایفا کردند چون: سمیه نخستین شهیده‌ای اسلام، نسیبه، اسماء، امّ سلمه که در عقل و فرزانی زبانه عموم مسلمانان است، فضّه، امّ ایمن، جویره، صفیه دختر عبدالمطلب، جرهمه و ... (ر.ک: اعلام النساء المؤمنات).

- نماد بیدارگری

1- پیشگیری از انحراف سیاسی جامعه‌ای مسلمین

فاطمه سرور زنان جهان (علیها السلام) نخستین کسی بود که اقدام به حراست از سیاست عدالت گستر اسلام کرد و ماندگارترین نقش سیاسی خود را با خطبه‌ای فدک ایفا کرد، چندین تن از راویان و مورّخان مسلمان از جمله سید مرتضی این خطبه را با سندی از عایشه نقل کرده است. فاطمه (علیها السلام) پس از غصب فدک نه تنها به منظور بازستاندن حقّ خود بلکه با هدف دفاع از خط مشی سیاسی اسلام و پیشگیری از انحراف سیاسی جامعه‌ای مسلمین و بیان مبانی اعتقادی و توحیدی نظام سیاسی اسلام، به ایراد خطبه پرداخت و در عین محجوبیت و وقار در مسجد و در جمع زنان و مردان صحابه حضور یافت و با نصب حجابی میان خود و مردان، خطبه‌اش را با بیان اصول اعتقادی اسلام: توحید، نبوت و امامت آغاز کرد. سپس به بیان فلسفه‌ای احکام و اخلاق پرداخت، در ادامه اشاره‌ای به تاریخ اسلام نوپا و نقش علی (علیه السلام) در دفاع از آن کرد، آن‌گاه با سخنان غریبی به بیداری مسلمانان و انتقاد از سکوت آنان در برابر انحرافات پیش آمده اقدام و توابع این سکوت را پیش بینی کرد (ابن ابی الحدید، ج4، ص93 به بعد؛ احمد طبرسی، ج1، ص131-149؛ مسعودی، ج2؛ ابن طیفور، ص23 و ...).

فاطمه (علیها السلام) و علي (علیه السلام) با تربیت حسین و زینب (علیها السلام) بر اساس آموزه های قرآن و سنت نبوی، رادمردان و شیرزنان تاریخ سازی را به جامعه ی بشریت تقدیم کرد.

این حسین (علیه السلام) فرزند فاطمه (علیها السلام) بود که با قیام عاشورا درس آزادگی به جامعه ی بشریت داد و با شهادت خود دین محمد (صلی الله علیه و اله) را زنده و پایدار نگاه داشت: «إن کان دین محمد لم یستقم إلا بقتلی فیاسیوف خذینی» (ر.ک: کلمات الحسین) و زینب (علیها السلام) پس از شهادت برادر مظلومش پیام رسان این بیداری بود.

قیام های علویان و فاطمیان در طول تاریخ اسلام همه الهام گرفته از شجاعت و بیداری مادرشان فاطمه سرور زنان جهان بوده است (ر.ک: مقاتل الطالبین).

حیات فاطمه (علیها السلام) بیانگر نقش زن در تربیت نسلی آگاه، مبارز و مقاوم در جهت برقراری نظام جهانی و عدالت گستر اسلام است و قیام منجی عالم بشریت مهدی موعود (عجل الله فرجه الشریف) با تأسی به آن بزرگ زن جهان اسلام است: «فی ابن رسول الله لی أسو» (طوسی، ص 286).

2- شناساندن امامت و رهبری

زن صحابی طویل العمری که در حراست از امامت و رهبری بر حق جامعه اسلامی نقش بارزی داشت حبابه و البیه بود. وی همواره جویای امام معصوم و بر حق بود و در این هدف همواره موفق ماند تا این که در زمان امام رضا (علیه السلام) با معرفت به حضرت از دنیا رفت و حضرت با لباس خود او را کفن کرد (محمد حسون، ص 292).

بدیهی است که حبابه گوهر معرفت خود را از طالبان حق دریغ نمی کرد و در شناساندن رهبر شایسته به جامعه کوشش می نمود.

3- مبارزه با استعمار

روند بیدارگری زنان مسلمان در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام ادامه یافت تا به دوران استعمار غرب رسید. در این زمان نیز تاریخ اسلام شاهد زنان مبارزی بود که محرک مردان در مبارزه با استعمارگران بودند. برای مثال می توان از زنان ایران، عراق، لیبی، الجزایر، اندونزی و ... نام برد.

این خاطره در اذهان مردم عراق ثبت است که در دوره‌ی نخست مبارزه با اشغالگران انگلیسی، مردان از مبارزه خسته و ناامید شدند، و فرنگیان به طغیان و سلطه‌ی خود ادامه می‌دادند؛ جمعی از زنان در مجلس مردان حاضر شده و با اشعار حماسی غیرت دینی آنان را تحریک کردند:

شال‌های ما را بگیرد و جفیه‌هايتان را بدهید
آیا نمی‌بینید که فرنگیان با ما چه کردند؟!

موضع زنان ایران حتی در دربار شاه قاجار در حمایت از فتوای تاریخی میرزای شیرازی و تحریم تنباکو در مخالفت با قرار داد ننگین رژی که سیطره‌ی اقتصادی استعمار را موجب می‌شد (مراد علی توانا، ص 110) و نیز قیام و تحصن زنان در مسجد گوهرشاد مشهد در مخالفت با کشف حجاب که جمعی از آنان در این واقعه به شهادت رسیدند (ر.ک: رسول جعفریان).

زنان مسلمان ایران هم پای مردان و با اطاعت از ولایت فقیه در همه‌ی میدان‌های فرهنگی و مبارزاتی و سازندگی به فعالیت خود ادامه دادند تا به تشکیل نظام اسلامی به رهبری امام خمینی نایل گردیدند و برترین الگو برای زنان مسلمان عصر حاضر شدند، البته استقامت شرط تداوم این افتخار و عزت است.

درلیبی حضور چشمگیر زنان در حمایت از عمر مختار و مبارزه با استعمارگری ایتالیا از افتخارات تاریخی این کشور است (ر.ک: تاریخ لیبی).

در اندونزی نیز زنان مسلمان حضور چشمگیری در نهضت‌های فرهنگی و اجتماعی کشورشان داشتند. و با کمک مردان و پیروی از رهبران مذهبی اصلاح طلبی چون: شیخ احمد خطیب، شیخ محمد طاهر جلال الدین، شیخ محمد جمیل جمبک، حاجی عبدالکریم امر ا (حاجی رسول) و حاجی عبدا احمد و ... به مبارزه با استعمارگران هلندی و احیای تفکر اسلامی پرداختند (دلیار نوئر، ص 46-54).

و در مصر، در یمن، در بحرین...

تشکیل جمعیت‌ها و اتحادیه‌ها، احزاب و سازمان‌های اسلامی زنان در کشورهای اسلامی نمادی دیگر از فعالیت بیدارسازی آنان است؛ گرچه از نظر ساختار پدیده‌ای جدید به شمار می‌آید اما از نظر نهادی به قدمت تاریخ اسلام است. جلسات مذهبی خانگی، مکتب‌خانه‌ها، مجالس حزن و سرور یاد نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) و اهل بیت او (علیهم‌السلام) در واقع مراکز تجمع همراه با انسی برای زنان بودند که در مکتب سیاسی شیعه نمود بیشتری دارد. مادران شیعه تنها در این مجالس به ویژه سوگواری سالار شهیدان ابی‌عبدالله الحسین (علیه‌السلام)، فاطمیه و ... توانسته‌اند درس مبارزه و شهادت را به پسرانشان بدهند و بزرگ مردانی چون امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) را به جامعه اسلامی حاضر تقدیم کنند.

تشکّل‌ها با ساختار جدید در ایران و در سایر کشورها نیز مشهود است از جمله عراق، حجاز و نجد، بحرین، یمن، اندونزی و ... برای مثال سازمان اسلامی فاطیما در اندونزی، یاسن، با هدف گسترش تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان امت اسلامی تأسیس شد و توسط دانشجویان رهبری می‌شود و تاکنون آثار فرهنگی‌ای چون: شرح ادعیه‌ای اهل بیت (ع)، ارائه خدمات آموزشی، کتابخانه‌ای و ... در این خصوص ارائه کرده است (زهره پیشگاهی‌فر، ص 273).

سازمان نهضت زنان مسلمان در ایران و پیش از انقلاب اسلامی، بنات الهدی در عراق و ...

5- مشارکت در تظاهرات علیه استبداد داخلی

همان طور که در مقدمه بیان شد استعمار غرب با جانشین کردن مزدوران داخلی خود و ترویج فرهنگ ملی‌گرایی و پان عربیسم به تحکیم حکومت نامشروع و مستبدانه آنان پرداخت و چندین دهه به واسطه‌ای آنان به حاکمیت خود بر کشورهای اسلامی ادامه داد. و با تحمیل خواسته‌های استکبار جویانه خود چون کاپیتولاسیون، سلطه‌ای اقتصادی، تهاجم فرهنگی، و ... تلاش در تحقیر و استثمار ملّت‌های مسلمان کرد. این جا بود که علمای اسلام بار دیگر به اعتراض و قیام اقدام کردند و زنان دوشادوش مردان در این قیام‌ها مشارکت جستند.

این بار استکبار جهانی، با شگرد جدید جهانی سازی، نظم نوین جهانی، دهکده‌ای جهانی و ... از طریق تحمیل کنوانسیون‌های بین‌المللی چون حقوق بشر، حقوق کودک، رفع تبعیض از زنان و ... به جنگ نرم ضد فرهنگ اسلامی و در مواردی جنگ سخت و اشغالگری مجدّد کشورهای مسلمان پرداخت. این عمل‌کردهای

شیطان‌ی باعث فاصله‌گرفتن جوامع مسلمان از فرهنگ اصیل اسلامی، رواج تبعیض و فساد، فقر روزافزون و مشکلات بی‌شمار دیگری شد.

ملّت‌های تحت سلطه تنها راه نجات را بازگشت به اسلام ناب دیده‌اند و این ادّعا از شعارها، خواسته‌ها، شکل حضور سراسری و ... آن‌ها پیداست.

برای نمونه کلام صریح چند تن از این زنان را نقل می‌کنیم:

غادّی الغربی از مبارزان تونس درباره‌ی هدف از قیام گفت: «قیام اخیر ما نتیجه‌ی ستم‌هایی است که حکّام سابق تونس به ملّت روا می‌داشتند... دین اسلام به نحو احسن زن را تکریم کرد امّا انسان از تعالیم دینی خارج شد و در نتیجه‌ی این خروج، ما وارد صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی شدیم تا نقش واقعی زن را نشان دهیم» (com.bornanews.www)

آیات القرّمزی زن بیست ساله بحرینی با اشعار حماسی خود ضد آل خلیفه نه تنها زنان بلکه مردان را به مبارزه دعوت کرد: «ما مردمانی هستیم که ذلّت و بدبختی را از بین خواهیم برد و ...» (همان).

هر کسی که اندک آشنایی با الفبای فرهنگ اسلامی داشته باشد در می‌یابد که این مطالبات همان اهداف پیامبران الهی در رسالت الهی‌شان برای جوامع بشری است. قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/25) و در آیه‌ی دیگر می‌فرمایند: «... وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلَّهِ مُنِينٌ...» (منافقون/8) و نیز می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسرا/70) و آیات بسیار دیگر.

البته این مشارکت به بهای جان و حیثیت زنان تمام شده زیرا بسیاری از زنان در کشورهای در حال جنبش‌زدانی، شهید و در مواردی مورد هتک حرمت قرار گرفته‌اند که روزنامه‌ها و سایت‌های خبری مملو از گزارش چنین حوادثی است.

6- ایفای نقش تربیتی

مهمترین نقشی که زنان مسلمان در بیدارگری داشته‌اند نقش تربیتی در دو حوزه‌ی ذیل بوده است:

1. ارائه‌ی الگوی مهذب و آگاه از خود به عنوان زن کامل مسلمان و انسانی مبارز و آزاد؛

2. تربیت فرزندان پاک، آگاه، مبارز و تشویق همسران به مبارزه.

امام خمینی (رحمه‌الله علیه) درباره‌ی نقش اوّل فرمودند: «زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند» (صحیفه‌ی نور، ج 8، ص 162).

ایشان بر الگو بودن زنان ایران حتّی برای مردان در مبارزه بارها تأکید فرمودند: «شما بانوان اثبات کردید که مقدّم بر مردها هستید، مردها از شما الهام گرفتند» (همان، ج 5، ص 177).

و درباره‌ی نقش دوّم، که نقش انسان سازی است، آن را هم طراز قرآن می‌دانند: «زن ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان ساز است و زن ها نیز انسان ساز، وظیفه‌ی زن‌ها انسان سازی است.» (همان، ج 11، ص 253) ایشان در ادامه، انزوای زنان انسان ساز را عامل انحطاط ملّت ها دانسته‌اند (ر.ک: همان).

در انقلاب‌های فعلی در منطقه شاهدیم که بیداری بحرینی‌ها، مردم قطیف و احساء با حضور زنان آغاز شد.

بحمدالله زن ایرانی در حال حاضر در دو حوزه‌ی خودسازی و جامعه‌پروری الگوی زنان مسلمان منطقه بلکه جهان واقع شده است. مقام معظّم رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه‌ای از سال 1363، یعنی 27 سال پیش، این حوادث و نقش را پیش بینی کرده و در جمع خانم‌های ایرانی فرموده بودند: «حرکتی را که زن ایرانی شروع کرده است از دست ندهید. این حرکت برای دنیا یک پیام جدیدی دارد و ولایت جدیدی است و مشخصه‌های آن احساس شخصیت زن است و این اوست که گردآورنده‌ی تاریخ است و می‌تواند در جامعه نقش تعیین کننده داشته باشد». (چهارسال با مردم، ص 394).

همچنین زنان توانسته‌اند با ایفای نقش‌های سیاسی، تبلیغی، علمی و ... در بیدارسازی مشارکت جوید که بیان آن‌ها نیاز به فرصت بیشتری دارد.

نکته ای مهم در بیداری!

تأکید بر مبانی اعتقادی و روش‌های اسلامی

توجه به این مسأله مهم است که نقش‌ها وسیله‌اند، نه هدف. زیرا چنان که بیان شد هدف از بیدارسازی، حاکمیت فرهنگ و نظام سیاسی اسلام بر جوامع مسلمان است و زنان با توجه به این هدف و بر مبنای روش‌های اسلامی باید نقش خود را ایفا کنند، نه آن که صرفاً در پی احقاق حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و با ترویج فرهنگ غرب و تأیید حاکمان مستبد و تبلیغ مکاتب الحادی، بیشتر تیشه به ریشه‌ی اسلام زنند؛ چنان که متأسفانه شاهد چنین زنانی بوده و هستیم، اما به دلیل عواقب منفی، از ذکر نامشان خودداری می‌کنیم. با این امید که از حضور اسلامی زنان منطقه درس گرفته و فعالیت‌های خود را سمت و سوی اسلامی دهند.

در پایان به مبانی اعتقادی و روش‌های اسلامی بیدارسازی اشاره می‌کنم:

مبانی اعتقادی و روش‌های بیداری اسلامی

الف) مبانی اعتقادی

1. توحید: اعتقاد به وجود خدا با همه‌ی صفات جلال و جمالش از جمله حاکمیت، ربوبیت، عدالت و ... که از اصول مسلم اسلام است و هر نوع خلل یا شبهه در این اعتقاد یا ایجاد هم‌سازی میان این عقیده و مبانی اومانیسمی شرک و کفر به شمار می‌آید.

بر این اساس در بیداری اسلامی نباید از اهداف و به ویژه مادی‌ی‌کنوانسیون حقوق بشر که آزادی عقیده را به رسمیت شناخته و هر عقیده‌ای را محترم می‌شمارد، حمایت کرد.

2. نبوت: اعتقاد به هدایت آسمانی و نیاز جاودان انسان‌ها به این هدایت و به انسان‌های کاملی که پیام آور آن هستند و اعتقاد به برترین و آخرین پیام آور، حضرت محمد بن عبدالمطلب (ص) و کاملترین پیام یعنی قرآن، اصلی است که هرگونه ملاحظه کاری و انکار یا آمیختن آموزه‌های وحیانی با قوانین الحادی (گرچه بین المللی) برخلاف بیداری اسلامی است.

3. امامت: اعتقاد به رهبری دینی و نیاز جامعه‌ی اسلامی، بلکه بشری به رهبری که از سوی خدا تعیین شده و واسطه‌ی فیض رحمت و نعمت اوست اصل دیگری است. این رهبر، انسان کاملی است که از همه شرایط رهبری صحیح: علم، توانمندی، شجاعت، عدالت، پاکی، تقوا و آگاهی از زمان و ... برخوردار است. بنابراین گزینش رهبری که فاقد حدّی یک شرط از آن شروط باشد، نه تنها موجب بیداری نیست، بلکه حاکم کردن امام گمراهی است که احیاگر استعمار، استبداد و ستم بوده و خود و ملّت‌ها را راهی دوزخ ابدی می‌سازد.

4. معاد: اعتقاد به حیات مجدد انسان‌ها پس از مرگ و بازخواست و محاسبه‌ی اخروی تک‌تک افراد انسانی در دادگاه عدل الهی از مسلمات اصول اسلامی است و همه‌ی تلاش‌های انسان‌ها باید در جهت نیل به سعادت اخروی برنامه‌ریزی گردد. بنابراین تفکیک حیات دنیوی از اخروی و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها برای این دنیای فانی بدون توجه به آخرت برخلاف بیداری اسلامی است.

ب) روش‌ها

اصول اعتقادی، روش‌های بیداری اسلامی را روشن می‌کند. زنان و مردان بر اساس موازین اسلامی (حجاب، عفت، شعارهای اسلامی و ...) حضور یابند، از علمای پرهیزگار اسلام به ویژه ولی فقیه عادل، عالم و شجاع و .. فرمان‌برداری کنند. از تفرقه و تعصبات قومی، قبیله‌ای، حزبی و .. اجتناب کنند و در نجات جوامع یکدیگر از استبداد، یاور هم باشند؛ چرا که قرآن می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (سوره نساء، آیه 75). «شما را چه شده که در راه خدا نمی‌جنگید، در حالی که مردان و زنان و کودکان ناتوان و تحت ستم همانانی که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهرکی که مردمش ستمگرند بیرون ببر و از نزد خودت سرپرستی برایمان قرار داده و از نزد خودت یآوری برایمان بگذار».

منابع

*قرآن کریم

*سید رضی، نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید.

www.bornanews.com

ابن عساکر، تاریخ مدینہ دمشق، بیروت، دارالفکر، 1415ق.

ابو الفرج اصفہانی، مقاتل الطالبیین، ترجمہ محمد جواد فاضل، قم، علمی، 1339ق.

احمد بن ابی طاهر بن طیفور، بلاغات النساء، قم، شریف رضی، بی تا.

احمد طبرسی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، 1403ق.

امام خمینی، صحیفہ فی نور

انصاری، کلمات الحسین (ع)، قم.

پیشگاہی فرد، زہرا، جغرافیای مجامع زنان در جهان اسلام، روابط عمومی شورای فرهنگی – اجتماعی زنان، تهران 1384ش.

تاریخ لیبی، وزارت امور خارجه.

حزب جمهوری اسلامی، چهار سال با مردم، تهران، چ 1، 1364ش.

حسین بن مسعودی، مروج الذهب، ترجمہ ابوالقاسم پایندہ، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، 1374ش.

دلدار نوئر، نہضت های نوین اسلامی در اندونزی، ترجمہ فی ایچ رزاقی، محمد مهدی حیدرپور، به نشر، مشهد، 1370ش.

سید مرتضی، الشافی.

شیخ طوسی، الغیبه، قم، مؤسسه‌ی معارف اسلامی، 1411ق.

فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، 1408ق.

مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران، 1375.

محمد حسون، ام علی مشکور، اعلام نساء المؤمنات، انتشارات بنیاد بعثت، تهران، 1370.

محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه‌ی الوفاء، 1404ق.

محمد قطب، بیداری اسلامی، ترجمه صباح زنگنه، انتشارات اطلاعات، تهران، 1374ش.

مراد علی توانا، زنان شیعه در عصر قاجاریه فصل نامه‌ی بانوان شیعه، ش6 و 7، ایران، زمستان 1374 و بهار 1385ش.

مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، قم، دارالکتب الاسلامی، 1428ق.